



تاریخ:
شماره:
پیوست:

باسمه تعالی

سرکار خانم فاطمه کاظمینی

باسلام،

بدینوسیله از شرکت شاد "دومین همایش ملی مقابله با بیابان زایی و توسعه پایدار تالاب های کویری ایران" و ارائه مقاله

با عنوان:

ارزش تالاب ها و فرایند های برنامه ریزی مدیریت تالاب ها

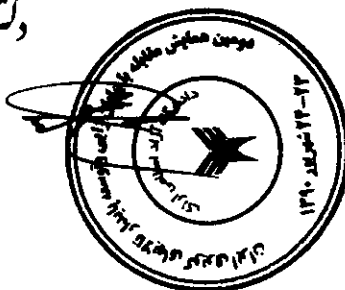
نویسندگان: فاطمه کاظمینی - مهتاب عسکری نعمتیان

صمیمانه تشکر و قدردانی می گردد. توفیق روز افزون جنابعالی و همکاران محترم را در پیشبرد فعالیت های علمی - پژوهشی

ایران اسلامی از خداوند متعال مسئلت داریم.

دکتر نوراله عبدی

دبیر بایش



حساس دبیر خانه: اروا که میدان امام خمینی ده
بلور امام خمینی ده شهرک دانشگاهی امیرکبیر
صفه فوق پستی ۵۶۷-۲۸۱۳۵

WWW.desert-wetland.ir

Email: info@desert-wetland.ir

شماره تماس: ۰۸۶۱-۲۴۱۳۳۶۴
شماره فکس: ۰۸۶۱-۴۱۳۳۰۷۱



مرکز تحقیقات تخصصی و منابع طبیعی استان مرکزی

شهر مرکزی اراک

میدان خورشید

انوار کل منطقه سبز (سبز) استان مرکزی

ساکنان منطقه سبز (سبز) استان مرکزی

ایران کل منطقه سبز (سبز) استان مرکزی

ساکنان منطقه سبز (سبز) استان مرکزی

دانشگاه ارومیه و استان مرکزی



ارزش تالاب ها و فرایند های برنامه ریزی مدیریت تالاب ها

فاطمه کاظمینی^۱، مهتاب عسگری نعمتیان^۲

^۱ کارشناس اداره کل حفاظت محیط زیست استان همدان

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور واحد بهار استان همدان

Mfakazemi1978@gmail.com

چکیده:

ایجاد توازن و تعادل معقولانه بین محیط زیست و توسعه، از مطلوب ترین راهکارها برای حفظ اکوسیستم ها و منابع طبیعی است. تالابها از اکوسیستم های با ارزشی اند که در دهه های اخیر به دلیل تغییرات اقلیمی و خشکسالی مورد تهدید هستند. لذا مدیریت تالابها در مناطق خشک و نیمه خشک نیازمند استفاده از یک رویکرد فراتر و جامع است. مدیریت زیست بومی ابزار مدیریتی مناسبی را برای تامین همگرایی فرابخشی، در نظر گرفتن بهره برداری معقول، مشارکت و منافع جوامع محلی، حفاظت از تنوع زیستی فراهم می آورد. در این بررسی به اهمیت تالابها و نیز جنبه های مدیریتی آن پرداخته شده است. لغات کلیدی: ارزش تالاب ها، تخریب تالاب ها، مدیریت تالاب ها.

مقدمه:

تالاب به مناطق مردابی، آبگیر، توریزار (پیت زار)، آبی بصورت طبیعی، مصنوعی، دائم یا موقت با آب ساکن، جاری شیرین، لب شور یا شور مشتمل بر آندسته از آبهای دریایی که عمق آب در کشتند پایین از ۶ متر تجاوز نکند گفته می شود (مجنونیان، ۱۳۷۷). ایجاد و نگهداری از رژیم مناسب آب به عنوان مهمترین موضوع مدیریتی برای اغلب تالاب ها مطرح است. فعالیتهای انسانی می توانند منجر به افزایش و یا کاهش غرقاب شدن و ایجاد تغییرات در رژیم فصلی غرقابی تالابها شود (ANCA, 1996). بنابراین شناسایی و تخصیص نیاز آب زیست محیطی تالاب ها نقش مؤثری در حفاظت از عملکردهای اکوسیستم خواهد داشت. کنوانسیون بین المللی تالابها تخصیص آب زیست محیطی تالابها را به صورت زیر تعریف می کند: کمیت و کیفیت آب مورد نیاز برای حفظ یک ویژگی اکولوژیکی منابع آب که عملکردهای تالاب مدنظر را به صورت پایداری حفظ کند (Ramsar Convention Secretariat, 2004). تالاب ها و اکوسیستم های آبی کشور به منزله سرمایه های باارزش اند که تنظیم آب های زیرزمینی در محیط پیرامون، تعدیل میکروکلیم، شکار و صید پرندگان آبی و ماهیان، تأمین منابع تغلیف دام و همچنین حصیر بافی و غیره، در گرو حفاظت منطقی از آنهاست. حفظ این سیستم های پیچیده اکولوژیک و سود جستن از منابع بی شمار اقتصادی، تفرجگاهی، ژنتیکی و غیره، تنها منوط به مطالعه و شناخت دقیق هر تالاب می باشد. بدیهی است که بدون اندیشیدن به محیط زیست، بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی انسان ها در جارجوب هر گونه هدف بهره وری از طبیعت امکان پذیر نخواهد بود و لزوم شناخت اکوسیستم ها به عنوان حساس ترین منابع جهانی که همواره با مشکلات متعدد زیست محیطی رو به رو می باشند، می تواند بنیانی ترین گام در رفع این معضلات به شمار آید. کشور ما بدلیل ویژگی های جغرافیایی و تأثیر عوامل اقلیمی که سبب گشته تا جزء مناطق خشک جهان محسوب شود، دارای چنان رشد سریعی در روند تخریب و انهدام منابع طبیعی بوده که سیاست ها و برنامه ریزی های دورنگر را نیز تحت الشعاع قرار داده است. مهمترین تهدید تالاب ها پروژه های گسترده سدسازی و بهره برداری بی رویه از منابع آبی زیرزمینی است که باعث خشک شدن و کاهش شدید سطح آب تالاب ها و دریاچه ها شده است.

ارزش و اهمیت تالابها

در بین بوم‌سازگان‌های طبیعی، ارزش و اهمیت تالابها دیرتر از بوم‌سازگان‌های دیگر درک شده و کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. تالابها به خاطر داشتن ویژگی‌های خاص هیدرولوژی دارای فوایدی می‌باشند. تالابها نه تنها موجب تغذیه و تامین بخشی از

سفره‌های آب زیرزمینی می‌شوند، بلکه محیطی را فراهم می‌کنند که بسیاری از پرندگان، ماهی‌ها و آبزیانی که حیات آنها وابسته به وجود چنین نقاطی است، بتوانند از آن به عنوان بهترین زیستگاه جهت بقا و تامین غذای خود از آن استفاده کنند. در بیش از نیمی از کشورهای جهان برداشت محصول ماهی منوط به سلامتی تالاب‌هاست، ۱۶٪ از گونه‌های پرندگان در معرض خطر انقراض پرندگان تالابی هستند و کاهش جمعیت پرندگان تالاب یکی از شاخص‌های روند انهدام و تخریب چنین محیط‌هایی محسوب می‌شود. تالاب‌ها هم‌چنین با تنظیم جریان آب از گسترش سیلاب و نفوذ آب‌های شور جلوگیری کرده و در امور حمل و نقل بسیار از کشورهای جهان به طور موثر مورد استفاده قرار می‌گیرند. خاستگاه نهایی بسیاری از آبراهه‌ها، نهرها، رودخانه و سیلاب‌ها، تالاب‌ها می‌باشند. جریان‌ات آبی در مسیر خود بقایای گیاهان، اجساد جانوران و مواد آلی و کانی را شسته و در نهایت به تالاب می‌ریزند که موجب کوتاه شدن طول عمر، اما غنی شدن این زیستگاه‌ها از لحاظ غذایی می‌شوند. به این ترتیب تالاب‌ها بالاترین میانگین تولید اولیه خالص در میان بوم‌سازگان‌های جهان دارا هستند، مثلاً یک تالاب آب شور می‌تواند ۲۰ برابر یک دریای ژرف زی‌توده در متر مربع در سال تولید کند و با وجود اینکه تالاب‌ها درصد ناچیزی از سطح بیوسفر جهان را شامل می‌شوند، اما حدود ۱۰ تا ۱۴ درصد کربن جهان را در خود نگهداری می‌کنند. خاک تالاب نیز عمدتاً از نوع توربزا بوده که از لحاظ مقدار مواد آلی بسیار غنی و از لحاظ زراعی حاصلخیز است. تنوع زیستی، ژنتیکی و تنوع گونه‌هایی که در تالاب زندگی می‌کنند از اهمیت بالایی برخوردار است. تالاب‌ها اگرچه وسعت چندانی نسبت به سایر محیط‌های زیستی ندارند، ولی در عمل به خاطر داشتن شرایط خاص محیطی، ویژگی‌های آب و خاک و پیچیدگی‌های بوم‌شناختی تنوع قابل ملاحظه‌ای را به وجود می‌آورند. تالاب‌ها به عنوان کانون‌های حساس نه تنها دارای تنوع گونه‌ای بسیار بالای جانوری و گیاهی هستند، بلکه تنوع ژنتیکی در هر یک از گونه‌ها در حد بالایی است و این تنوع به طور عمده در ارتباط مستقیم با تنوع محیط زیست و زیستگاه‌های متشکله در تالاب است. به عنوان مثال تنها فون حشرات در تالاب حدود ۵۰٪ تنوع زیستی جهان را تشکیل می‌دهد. تالاب‌ها در جلوگیری از گسترش کویر نیز نقش به‌سزایی دارند. بسیاری از تالاب‌های جهان در نقاطی واقع شده‌اند که در واقع مرز بین دو بوم‌سازگان آبی و خشکی است.

تالاب‌ها یکی از بی‌ظیرترین، زیباترین، بکرترین و شگفت‌انگیزترین پدیده‌های طبیعی هستند که هر یک دارای جلوه‌های بسیار بدیع، جالب، ناشناخته و پررمز و رازی هستند. به عنوان مثال گوشه‌هایی از تالاب گاوخونی در اصفهان، بخش‌هایی از تالاب سیاه کشیم در گیلان و یا دشت ارژن و دریاچه پریشان در فارس را می‌توان ذکر کرد که هر یک در اوج زیبایی قرار دارند و به همین دلیل می‌توان از تالاب‌ها به عنوان کانون‌های تفرج و تفریح، بازدید و سیاحت و جلب گردشگری استفاده کرد، به شرط آن که این برنامه‌ها همراه با یک نظام مدیریتی هدفدار و حساب‌شده باشد، علاوه بر موارد ذکر شده تالاب‌ها در جلوگیری از فرسایش سواحل دریاها، تثبیت هوای منطقه از لحاظ مقدار بارندگی و دمای محیط، آموزش و تحقیق، تامین علوفه دام، مصارف کشاورزی، استخراج مواد معدنی مثل پتاسیم و فسفر، تصفیه هوای مناطق مجاور، بهره‌برداری و اشتغال مردم حاشیه تالاب، جلوگیری از فرسایش بادی نقاط همجوار، پرورش ماهی و ... نیز نقش دارند. پالایش آلاینده‌ها، تنظیم هیدرولوژی منطقه و ایجاد میکروکلمای مطلوب، حفظ تنوع زیستی و بانک ژنتیکی، جذب توریسم ارزش‌های زیبایی شناسی، تجمع و ذخیره مواد آلی، تصفیه و پاکسازی آب‌های ورودی، ایجاد مسیرهای مناسبی برای حمل و نقل از دیگر ارزش‌های تالاب‌ها محسوب می‌شوند (ایافت، ۱۳۸۹).

عوامل تهدید و تخریب تالاب‌ها

پایداری روند تخریب تالاب‌ها وجه اشتراک تمام کشورهای جهان است. هر روز در گوشه‌ای از این زی‌سپهر پهناور شاهد مرگ یکی دیگر از تالاب‌ها هستیم. اگر چه از آهنگ سریع تخریب و نابودی تالاب‌ها به مقدار قابل ملاحظه‌ای کاسته شده، ولی حجم عظیم تخریب‌های گذشته و نابودی‌هایی که بعضاً هنوز هم به چشم می‌خورد، اوضاع نگران‌کننده‌ای را در مورد وضعیت آینده تالاب‌ها فراهم کرده است. امروزه خطر نابودی تالاب‌ها و آلودگی آب‌های ساحلی همانند بحران تخریب لایه ازن، نابودی جنگل‌ها و انقراض بسیاری از گونه‌های جانوری و گیاهی به یکی دیگر از بحران‌های زیست‌محیطی جهان تبدیل شده است. بر اساس اطلاعات موجود در ایالات متحده آمریکا تقریباً ۵۰٪ تالاب‌های طبیعی نابود شده‌اند و تاثیر این نابودی در انواع زیستگاه‌های مهم مشهود است. در حوزه آبریز دریاچه ارومیه احداث سد بر روی رودخانه‌ها و احداث بزرگراه در داخل دریاچه ارومیه و عوارض ناشی از آن، تاسیسات آبی‌پروری و



زهکشی بخش‌هایی از آن از عوامل تهدید کننده جدی نابودی تالاب‌های این حوزه است. موارد گفته شده تنها گوشه‌ای از روند تخریب و نابودی تالاب‌ها در ایران می‌باشد. در مجموع عمده‌ترین عوامل موثر در از بین رفتن تالاب‌ها در ایران و سایر نقاط را می‌توان به صورت ذیل خلاصه کرد، امید است با اتخاذ تدابیر آگاهانه و به موقع از بحران زیست‌محیطی عنقریب نابودی تالاب‌ها جلوگیری شود. یکی از عوامل عمده تخریب تالاب‌ها عوامل انسانی است. عدم شناخت واقعی ارزش‌های بالقوه و نقش و اهمیت این بوم‌سازگان‌ها در زندگی بشر که ادامه حیات بقای ما و سایر موجودات را تضمین می‌کند، موجب ناکام ماندن بسیاری از اقداماتی می‌شود که سعی در حفاظت از تالاب‌ها و جلوگیری از تخریب آنها دارند. تبدیل بوم‌سازگان‌های تالابی به زمین‌های کشاورزی از دیگر عوامل نابودی تالاب‌ها است. تالاب‌ها از لحاظ مواد توریزا بسیار غنی بوده و برای امور زراعی مناسب می‌باشند، از این رو تالاب‌های بی‌شماری تاکنون زهکشی و تبدیل به زمین‌های کشاورزی شده‌اند. این اقدام اگرچه ممکن است به ظاهر و در کوتاه‌مدت مفید به نظر آید، اما آنچه مسلم است این که در درازمدت با خسارات جبران‌ناپذیر زیست‌محیطی همراه است. رودخانه‌ها و جریانات آبی دیگر در مسیر خود به وسیله فاضلاب‌های شهری، کشاورزی و صنعتی آلوده شده و در نهایت موجب آلودگی تالاب می‌شوند. بخشی از این آلودگی‌ها (فاضلاب‌های شهری) در درازمدت و طی یک سری واکنش‌های شیمیایی از بین می‌رود، لیکن مسمومیت ناشی از مابقی فاضلاب‌ها حیات آبزیان، پرندگان، حیات وحش و به طور کلی بقای تالاب را به شدت به مخاطره می‌اندازد. رسوبات حمل شده به تالاب نیز موجب پر شدن تالاب، رسوب‌زایی و در نتیجه کم شدن گستره و توسعه تالاب شده و چنانچه با اقدامات به موقع لایروبی نشود، زمینه را برای نابودی کامل آن در آینده فراهم می‌کند. شاید به همین خاطر باشد که اصولاً تالاب‌ها از دیدگاه زمین‌شناسی طول عمر اندکی دارند. از عوامل متعدد دیگر در نابودی تالاب‌ها عدم وجود مدیریتی هدفدار و توانمند است که در بسیاری از موارد اقداماتی را که جهت حفاظت و حراست از تالاب‌ها پیش‌بینی می‌شود، به نتیجه نهایی و مورد نظر نمی‌رساند. عدم اطلاعات لازم و ضروری پیرامون بسیاری از تالاب‌ها و عدم آرایه طرح‌های جامع مدیریتی، حفاظت از تالاب‌ها را با مشکل مواجه کرده است و از این رو است که در پنجمین نشست کنوانسیون رامسر در کوشیرو ژاپن در سال ۱۹۹۳ بر اصول استفاده خردمندانه از تالاب تاکید و اعلام شد که لازم است از محدودیت‌های بوم‌شناختی یک سیستم تالابی شناخت کاملی داشته باشیم تا بتوانیم در مورد تاثیر عملکردها بر تالاب به درستی داوری کنیم. بنابراین زمانی که اطلاعات کافی و جامعی در دست نیست، باید فعالیت‌های موثر بر تالاب‌ها با رعایت کلیه اصول احتیاطی صورت گیرد، به عبارت دیگر هنگامی که یک فعالیت بر تالاب مجاز است که به وضوح کلیه آثار و پیامدهای آن مشخص شود و در صورت وجود هر گونه ابهام باید از انجام آن ممانعت به عمل آید.

برآورد نیاز آبی تالاب‌ها

در مورد روش‌های برآورد نیاز آب زیست محیطی تالاب‌ها نیز به طور خاص طبقه بندی زیر ارائه شده است:

روش ناشی از دیدگاه هیدرولوژیکی، روش ناشی از دیدگاه اکولوژیکی و روش جامع (تلفیقی) (ANCA., 1996) روش‌هایی که از دیدگاه هیدرولوژیکی ناشی می‌شوند ابتدا شامل تعیین و سپس احیاء و بازیابی (کامل یا بخشی از) رژیم آبی تاریخی اکوسیستم می‌باشد. در این روش فرض می‌شود که بیوتا به رژیم آبی اکوسیستم قبل از تغییر عادت کرده است و از این رو احیای رژیم تاریخی، موجب بازگشت سلامتی اکوسیستم خواهد شد (ANCA., 1996; Arthington, 1998). روش‌هایی که از دیدگاه اکولوژیکی ناشی می‌شوند شامل تعیین نیازهای رژیم آبی بیوتای موجود یا ارجح می‌باشد. روش‌های متکی بر دیدگاه اکولوژیکی چون به برآورد نیاز اجزای اکوسیستم می‌پردازند قابل دفاع تر می‌باشند. یکی از معایب دیدگاه‌های اکولوژیکی کمبود اطلاعات مربوط به نیازمندیهای گونه است (ANCA., 1996). در نگرش جامع به تخصیص آب زیست محیطی فرض می‌شود که اگر اجزای اساسی رژیم طبیعی جریان در رژیم جریان تغییر یافته دخیل شوند بیوتا حضور خود را حفظ کرده و تنوع اکولوژیکی سیستم می‌تواند حفظ شود (Arthington, 1998). اجزای اساسی رژیم طبیعی جریان از تحلیل آماری جریان تاریخی تعیین می‌شوند که برای رژیم آبی تالاب شامل کمیت آب، زمان بندی، تداوم و تناوب غرقاب شدن می‌باشد (Arthington, 1998). روش جامع، موثرترین و پیچیده ترین روش است، چرا که الگوهای زمانی و مکانی دینامیک آب را در مقیاس مناسب با در نظر گرفتن عواملی مثل: آب و هوا، ژئومورفولوژی، پوشش گیاهی و نیازمندیهای حیوانات منطقه و دخالت‌های انسانی شناسایی می‌کند. این روش توسط بسیاری از محققان برای تالاب‌ها مناسب تشخیص



داده شده است (Arthington, 1998; Pusey, 1998).

مدیریت تالاب

کنوانسیون تنوع زیستی با بیش از ۱۸۸ کشور عضو، رویکرد مدیریت اکوسیستمی را بعنوان ساختار پایه عملیاتی خود معرفی نموده است. مدیریت زیست بومی راهبردی است برای مدیریت جامع زمین، آب و منابع زیستی که تقویت کننده حفاظت و پایداری بهره برداری بصورت عادلانه است. برقراری یک نظام مدیریت اکوسیستمی برای تالاب ها و دریاچه ها، مبتنی بر اصول توسعه پایدار و مشارکت مؤثر کلیه سازمانهای ذیربط و از جمله جوامع محلی اطراف تالاب ها با رویکرد اکوسیستمی پیشنهاد شده، یک استراتژی برای مدیریت یکپارچه منابع آب و خاک و نیز منابع حیاتی در سطح حوضه آبریز است که به نحوی متعادل حفاظت و بهره برداری پایدار از این منابع را مورد توجه قرار می دهد. این رویکرد چارچوب عملی و اصلی مورد نظر کنوانسیون تنوع زیستی است که شامل ۱۲ اصل است. امروزه در سرتاسر جهان و بصورت فزاینده از رویکرد اکوسیستمی به عنوان چارچوبی برای مدیریت مناطق حفاظت شده استفاده می شود.

به کارگیری رویکرد اکوسیستمی در مدیریت تالاب متضمن ملاحظات زیر خواهد بود.

- ۱- از آنجایی که اقدامات انجام شده در سطح حوضه آبخیز بر تالاب اثر می گذارد، تالاب باید در چارچوب حوضه آبریز آن مدیریت شود. این بدان معناست که استانهای همجوار که در حوضه آبخیز سهیم هستند، می بایست یک رویکرد مشترک اتخاذ نمایند. اثرات فعالیت های مدیریتی بر اکوسیستم های همجوار نیز باید به دقت مورد توجه قرار گیرد.
- ۲- مدیریت باید بر تجربیات و شواهد موجود متکی بوده و تا حد ممکن از دانش های سنتی و بومی بهره برداری کند.
- ۳- حفاظت از ساختار و عملکرد اکوسیستم برای بقای ارزشها و تداوم خدماتی که بوسیله تالاب ارائه می گردد یک اولویت محسوب می شود. با توجه به ظرفیت سیستم، باید یک تعادل منطقی بین حفاظت و بهره برداری پایدار از منابع تالاب برقرار شود.
- ۴- حمایت از فعالیت هایی که در جهت بهره برداری پایدار و حفاظت از تنوع زیستی صورت می گیرد.
- ۵- تدوین اهداف مدیریتی دراز مدت و توجه به تغییرات اقلیمی

۶- از دیگر ابزارهای اساسی برای مدیریت تالاب ها افزایش آگاهی های عمومی است. این آگاهی ها شامل ارزش ها و تهدیدات تالاب، نقش مهم آن در تامین معاش جوامع محلی و تأثیر فعالیت های انسانی در پایدار نمودن تالاب و یا بالعکس اثر منفی آن بر کارکردهای تالاب می شود. ارتقاء آگاهی های تصمیم سازان عمده از عواقب آتی تخریب تالاب ها بر مناطق اطراف و سلامت جوامع ساکن آن اهمیت بسزایی دارد.

همچنین نهادها و افرادی که مسئولیت مدیریتی دارند نیز باید ظرفیت های خود را برای انجام کار ارتقاء دهند. افزایش آگاهی های عمومی همچنین می تواند تالاب را به نحوی مؤثر به جوامع ملی و بین المللی معرفی نموده و فرصت ها و منابع جدیدی را برای ارتقاء مدیریت آن فراهم کند. این مسأله همچنین می تواند به عنوان منبعی برای تولید منافع اقتصادی برای جوامع محلی و افزایش حساسیت آنها در جهت پایدارسازی هرچه بیشتر تالاب مورد توجه قرار گیرد. تجربیات جهانی نشان می دهد که پایداری تالاب ها در درجه اول به میزان مشارکت جوامع محلی در مدیریت آنها بستگی دارد. بنابراین جوامع محلی می بایست کاملاً در حفاظت تالاب دخیل باشند. از دیگر اهداف مدیریت پایدار منابع آب و کاربری اراضی کشاورزی است.

شاید بتوان کمیت و کیفیت منابع آب تالاب را مهمترین فاکتورهای تأثیرگذار بر پایداری کارکرد اکولوژیک آن برشمرد. با این حال هر دو این فاکتورها تحت تأثیر فعالیت های انسانی به خصوص احداث سدها و توسعه آبیاری در قسمت های بالادست حوضه قرار می گیرند. افزایش بهره برداری از آب و استفاده از مواد شیمیایی در کشاورزی همراه با اجرای طرحهای توسعه آبیاری باعث کاهش کمیت و کیفیت آب ورودی به تالاب می شود. تغییر کاربری اراضی به منظور توسعه شهرسازی باعث افزایش فاضلاب شهری می گردد. استفاده بی رویه از زمین های شیب دار دامنه ای برای کشت باعث افزایش فرسایش خاک شده و تأثیر مشهودی بر کیفیت و کمیت جریانات ورودی به تالاب می گذارد.

از اهداف دیگر می توان به حفاظت از تنوع زیستی و بهره برداری پایدار از منابع تالاب اشاره کرد که ، احیاء و ارتقای تنوع زیستی تالاب ها را از طریق حفاظت از زیستگاه ها و بهبود کارکردهای آن مدنظر دارد. این هدف بویژه بر ارتقاء زیستگاه های تالابی برای پرندگان و گونه های آبی و پستانداران خشکی زی تأکید دارد. برای رسیدن به این اهداف، می بایست مهمترین عوامل تهدیدکننده تالاب مشخص شده و تحت کنترل درآید. حفاظت موثر از زیستگاه ها نیازمند بهره برداری پایدار از منابع و به ویژه ارتقاء آگاهی مردمی و نهادها و سازمانهای ذیربط نظیر: سازمان محیط زیست، جهاد کشاورزی، گردشگری و میراث فرهنگی، صنایع و معادن، استانداری و فرمانداری، شوراهای اسلامی، جوامع محلی، گردشگران ، شکارچیان، تشکل های غیر دولتی، کشاورزان و ... می باشد (بی نام، ۱۳۸۶).

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به اهمیت تالاب ها در کشور به عنوان اکوسیستم های آبی ، استفاده از اصول مدیریتی مناسب به منظور حفظ و بقاء آنها ضرورت دارد. از جمله فرایندهای برنامه ریزی مدیریت تالاب ها می توان به گرد آوری داده ها، ارزش گذاری، پایش، مدیریت سازگار، همکاری بین سازمان ها، تحول سازمانی، حمایت از سرمایه های طبیعی، حمایت دراز مدت از اکوسیستم ها و فرایندهای اکولوژیکی، حفظ تنوع بیولوژیک، استفاده و بهره برداری پایدار از منابع طبیعی، شناخت و حمایت از فعالیت های محلی اشاره کرد. همچنین مدیریت سیستمی می تواند بصورت یکپارچه و یا جامع باشد. در مدیریت جامع تجزیه و تحلیل بر مبنای تمامی اجزاء و تمام روابط میان آنهاست. در نتیجه نوعی مدیریت طولانی و تاریخی می باشد. مدیریت به شیوه یکپارچه به دنبال درک کامل اجزاء و روابط بین آنهاست. در این نوع مدیریت تعداد اندکی از متغیرها باعث عمده تغییرات می شوند. تاکید بر اجزاء و روابط کلیدی است و بر اساس آنها استراتژی های مدیریتی تدوین می شود. از طرفی دیگر، علائم کاهش سلامتی تالابها از جمله: کاهش تولید اولیه، کاهش یا نابودی گونه های شاخص، افزایش جمعیت حشرات آفت یا موجودات زنده بیماری زا، کاهش تنوع گونه ای، وجود آلاینده ها بطور کامل شناسایی گردد و راهکارهای مناسبی جهت رفع و برطرف سازی این نقایص ارائه گردد.

فرایند برنامه ریزی مدیریتی، نیازمند شناسایی ارزش ها و تهدیدات پیش روی تالاب و نیز مشخص نمودن ظرفیت گروه های اصلی ذیربط است اقدامات مدیریتی عمدتاً بر مهمترین اهداف مورد نظر برای دستیابی به چشم انداز مشترک، متمرکز خواهد بود. این رویکرد منطبق با روشی است که کنوانسیون رامسر برای تهیه برنامه های مدیریت تالاب پیشنهاد کرده است. یکی دیگر از عناصر اصلی مدیریت، که بدون آن موفقیت حاصل نخواهد شد، آگاهی مردم در مورد ارزش های تالاب و تهدیدات پیش روی آن است. بنابراین ارتقاء آگاهی عموم مردم و تقویت مشارکت های مردمی از اولویت های برتر مدیریتی است.

منابع:

- ایافت، ا.، فواید تالابها (ترجمه)، ۱۳۸۹، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۰۲ صفحه.
- بی نام، ۱۳۸۶، طرح بین المللی حفاظت از تالاب های ایران.
- وهاب زاده، ع.، ۱۳۸۲، شناخت محیط زیست، زمین سیاره زنده (ترجمه)، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۶۴۰ صفحه.
- کردوانی، پ.، خشکسالی و راه های مقابله با آن در ایران، ۱۳۸۰، انتشارات دانشگاه تهران، ۳۸۰ صفحه.
- مجنونیان، ه.، ۱۳۷۷، طبقه بندی و حفاظت تالابها، ارزش ها و کارکردها، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۷۰ صفحه.
- ANCA., 1996. A Directory of Important Wetlands in Australia., Australian Nature Conservation Agency, Canberra. (www.ea.gov.au/wetlands)
- Arthington, A.H. 1998. Comparative Evaluation of Environmental Flow Assessment Techniques: Review of Holistic Methodologies. Occasional Paper No. 26/98. Land and Water Resources Research and Development Corporation: Canberra, Australia.
- Pusey, B.J. 1998, "Methods addressing the flow requirements of fish." In: Arthington, A.H. and J.M. Zalucki eds, Comparative Evaluation of Environmental Flow Assessment Techniques: Review of Methods, pp.66-105.
- Ramsar Convention Secretariat, 2004., Handbook4, Riverbasin management.